یادداشت

annotation@qudsonline.ir
محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر

نکاتی درباره کارگاه شعر «آفتابگردان‌ها»

همه محصولاتی که ما در ویترین مغازه‌ها می‌بینیم، از کارگاه‌های تولید درآمده‌اند، کارگاه‌هایی که خود متکی به آموزش و تجربه‌اند. شـــعر نیز چنین اســـت. شب‌شعرها، جشنواره‌ها، مسابقه‌ها و آثار مکتوب، ویترین ارائه شعرهستند، ولی شعر در کارگاه ذوق و مهارت شاعر پرورده می‌شود و آن ذوق و مهارت نیز بخشی فطری و بخش مهمی، اکتسابی است.

این بیت ایرج‌میرزا را ما همه شنیده‌ایم که «شاعری طبع‌روان می‌خواهد / نه‌مبانی، نه‌بیان می‌خواهد». بله اگر فقط «شاعری» هدف باشد، همان طبع روان هم کافی اســـت، اما حقیقت این اســـت که مـــا در برابر هر شـــاعر خوب در زبان‌فارسی حدود ۱۰۰ شاعر ضعیف داریم، کسانی که نه نامشـــان بر جای مانده و نه آثارشـــان. این‌ها کسانی بوده‌اند که فقط طبع‌روان داشته‌اند. بله شاعر بوده‌اند، اما شاعر خوب‌بودن مهم است.

شـــعر خوب هم به مطالعه ، هم به آموزش و هم به حضور مســـتمر در محافل و مجامع ادبی نیاز دارد. هر جا که این چیزها در کنار هم وجود داشته‌اند، بناگاه عده‌ای شاعر خوب ظهور کرده‌اند. ما در طول تاریخ ادبیات فارسی، سراغ نداریم جایی یا زمانی که بدون پشتوانه علمی، آموزشی و مهارت‌اندوزی، جمعی شـــاعر توانا ظهور کرده باشند، ولی حقیقت این است که اغلب متولیان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی به ویترین شعر بیشتر می‌اندیشند. از همین روی است که «شب‌شعر»، «جشنواره شعر»، «کتاب‌شـــعر» و «صفحه و کانال شعر» بیشتر دیده می‌شود تا کارگاه و آموزشـــگاه شعر. بله در یک شب‌شعر یا جشـــنواره شاعران برتر روزگار شرکت می‌کنند و آثارشان را ارائه می‌دهند، ولی این آثار در چه بستری تولید شده‌اند؟

در این سال‌ها یکی از بســـترهای خوب آموزش و مهارت‌اندوزی در کار شـــعر، دوره‌های آموزشی آفتابگردان‌هاست. میلاد عرفان‌پور، مدیر دفتر شعر مؤسسه شهرستان ادب در نشست خبری «هشتمین دوره آموزشی شعر جوان انقلاب‌اسلامی» از پرورش حدود یک‌هزار شاعر جوان در این هشت دوره خبر می‌دهد و این رقم قابل‌توجهی است.

تا آنجا که من خبر دارم مؤسسه شهرستان ادب کمتر جشنواره و شب‌شعر برگزار کرده و عمده کارهایش برنامه‌های مستمر آموزشی برای شاعران جوان آن هم به صورت مستمر و نه‌فقط در برنامه‌های یکی دوروزه است. در هر دوره شاعران جوان از میان متقاضیان بسیار گزینش می‌شوند و در طول این دوره در یک ارتباط مستمر، هم آثارشان به وسیله کارشناسان مؤســـسه نقد می‌شود و هم منابع مطالعه برایشان معرفی می‌شود و در نهایت در یک اردوی آموزشی فشرده، پای صحبت پیشکسوتان، شاعران و منتقدان خبره‌ای می‌نشینند.

افزون بر این‌ها، مؤســـسه شهرســـتان ادب در تهران و چند شهر دیگر جلسات هفتگی شعرخوانی و نقد شـــعر نیز دارد که این‌ها غالباً کانون تجمع و پرورش شاعران جوان هستند. بسیاری از شاعران خوب این نسل کسانی هستند که در دوره‌های آموزشی آفتابگردان‌ها شرکت داشته‌اند و یا از این جلسات سر برآورده‌اند. از این جمله‌اند خیلی از شاعران خوب نسل جوان در شهر مشهد که غالباً افراد ممتازی در مسابقات دانش‌آموزی و دانشـــجویی حتی در سطح کشور هستند. کمتر نهاد یا مؤسسه ادبی در این ســـال‌ها چنین برنامه‌های مستمری، با این همه خروجی خوب داشته است.

دو گروه باید بیش از این به آموزش و تجربه‌اندوزی مستمر در کار شعر بیندیشند، کسانی که طبع و ذوق شعر دارند و مسئولان و مدیرانی که می‌خواهند در رشد و اعتلای شعر فارسی نقشی داشته باشند. همه این‌ها باید بیش از ویترین جشـــنواره‌ها و شب‌شـــعرها، به کارگاه و آموزشگاه شـــعر توجه کنند. بدون این‌ها ویترین خالی خواهد ماند یا با اجناسی کم‌کیفیت پر خواهد شد.

موسیقی

اعطای گواهی درجه یک هنری به چهار هنرمند موسیقی سیستان و بلوچستان

ستاد خبری سی‌وپنجمین جشـــنواره موسیقی فجر: شب موســـیقی سیســـتان و بلوچســـتان با اجرای سه گروه موســـیقی اســـتان و اعطای گواهـــی درجه‌یـــک هنری به هنرمندان این استان در آخرین شب جشنواره موسیقی فجر در تالار سوره برگزار شد.

در شب موسیقی سیستان و بلوچستان حبیب‌الله قادر آتشگر؛ نوازنده دونلی و ســـرنا، برکت شـــکل‌زهی؛ نوازنده قیچک، خداداد شکل‌زهی؛ نوازنده قیچک و محمد نور محب‌زهی؛ نوازنده و سازنده قیچک گواهی درجه یک هنری خود را از شورای ارزشیابی هنرمندان دریافت کردند.

گواهـــی درجه یک هنری بالاترین درجه هنری که توســـط شـــورای ارزشیابی هنرمندان، نویســـندگان و شاعران کشور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به هنرمندان اهدا می‌شود.

مدرک درجه یک هنری این هنرمندان اســـتان سیستان و بلوچستان توسط محمد الله‌یاری فومنی؛ مدیرکل دفتر موسیقی، حمید قبادی؛ مشاور اجرایی معاونت امورهنری، سیدمحمد طباطبایی؛ دبیر شورای ارزشـــیابی هنرمندان و حسین مســـگرانی؛ مدیرکل فرهنگ و ارشاد سیستان و بلوچستان اعطا شد. این در حالی بود که گروه «هامون» به سرپرستی حبیب‌الله قادر آتشگر از شهرستان زابل با لباس‌های محلی سفید و کت‌های مشکی آینه‌دوزی روی صحنه رفت و اجرا کرد.

محمد بخش محل‌زهی؛ نوازنده رباب، ابراهیم براهوتی؛ نوازنده تنبورک، علیم قادر آتشکر؛ نوازنده قاشقک و امیر گرگیج؛ نوازنده دهلک، نوازندگان گروه «هامون» بودند که قطعه «ای وطن، ایران من» را اجرا کردند. این گروه تاکنون در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت داشته اســـت. در ادامه گروه موسیقی «ساحل مکران» به سرپرستی اسحاق بلوچ‌نسب از شهرستان چابهار روی صحنه رفت و اولین اجرا را با روایت یک داســـتان شروع کرد.این گروه نیز در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی از جمله کشـــور فرانسه، سوئد، عمان و پاکستان اجرا داشته است. استاد اسحاق بلوچ‌نسب نیز درجه یک هنری از شورای ارزشیابی هنرمندان دارد.

احمد وطن‌خواه؛ نوازنده قیچک و حاج مرادبخش بارسا؛ نوازنده تنبورک، همراه استاد اســـحاق بلوچ روی صحنه اجرا کردند. ضمن اینکه گروه موسیقی «گلداز» به سرپرستی گل محمد بلوچی از شهرستان نیکشهر اجرای پایانی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در تالار سوره بود. این گروه نیز در کشـــورهایی مثل عمان، عراق و برخی از کشـــورهای آفریقایی اجرا داشته است.

گفت‌وگو با تیمور آقامحمدی، به انگیزه انتشار «رونی یک پیانو قورت داده»

معطل نکنید و کتابم را بخوانید!

ادب و هنر/ جوادشیخ‌الاسلامی | رمان «رونی یک پیانو قـــورت داده» جدیدتریـــن اثر تیمور آقامحمدی، رمانی در حوزه کودک و نوجوان و با فضایی دوست‌داشتنی و خواندنی است. این کتاب در ۶فصل و برای گروه سنی بالای ۱۳سال توسط مهرک ســـوره‌مهر کودک و نوجـــوان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. با تیمور آقامحمدی درباره این رمان و چالش‌هـــای ادبیات کودک و نوجوان به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید:

◆ چطور شـــد به عنوان «رونی یک پیانو قورت داده» رسیدید؟

نام کتاب، نخســـتین عنصرِ هویت‌بخش و کلید راهیابی به متن است و دعوت‌نامه رسمی نویسنده است که به ســـوی مخاطبان فرستاده می‌شود و باید جدی‌اش گرفت. نشانه‌های موجود در یک نام اگر حساب شده و معطوف به محتوا باشد، نقشی مهم و تکمیل‌کننده بازی می‌کند. بله عنوان رمانم پیشنهادهایی در خود دارد؛ از اتمسفر متن گرفته تا راوی، موضوع و تعلیق و می‌گوید اگر پی آنچه در کلمـــاتِ «رونی یک پیانو قـــورت داده»آمده می‌گردی، بیا و مرا بخوان.

◆ ایده کتاب شـــما از کجا شـــکل گرفته است. چه دغدغه‌ای برای نوشتن این رمان داشتید؟

همه‌چیـــز از خود ما شـــروع می‌شـــود. داریم بی‌هـــوا و بدون اجـــازه از عالـــم‌وآدم عکس و فیلم می‌گیریـــم؛ بی‌آنکه بدانیـــم و بخواهیم در فیلم‌هـــای دیگـــران حضور داریـــم، تأثیر می‌گذاریـــم و می‌پذیریم. «رونی» دختری ۱۴ ساله اســـت که به جشـــن تولد دوستش بهار دعوت می‌شـــود. یک اتفاق کامـــلاً معمولی، اما نه برای او که انگیزه‌های نرفتنش بیشـــتر اســـت. سه ســـال پیش مادرش روز تولد او به تلخی از دنیا رفتـــه و حق بدهید پا توی هیچ جشـــن تولدی نگذارد. اتفاقات زندگی او را از یک رونی ضعیف به رونـــی‌ای تبدیل می‌کند که بر کاســـتی‌اش پیروز می‌شـــود و قهرمان بسیاری از نوجوان‌ها می‌شود. او به آب و آتش می‌زنـــد و خطر می‌کند، به خاطـــر همه و به خاطر خودش. کســـانی از اتفاقات عجیب آن تولد فیلم می‌گیرند. یکی از کلیپ‌ها به سرعت منتشر می‌شود و رونی را به شهرت می‌رساند. او در پایان داستان کاری می‌کند کارستان، او بهار را نجات می‌دهد.

متن پشـــت جلد روشـــنگر بخش‌های مهمی از قصه اســـت: «مـــن یک رونی ۱۴ ســـاله‌ام. می‌خواهم از عجیب و غریب‌ترین جشـــن تولد زندگی‌ام برای شما بگویم.

دلم می‌خواهد با لوبیای ســـحرآمیز و پرندگان اولِ صبـــح مـــن یا پـــدر غیرعـــادی و برادر فندقی‌ام آشنا شوید و ببینید استاد جمشیدی و همســـرش که بوی درخـــت می‌دهند، قرار اســـت چه کارهایی برای من بکنند.دوســـت دارم در کنار ســـؤالات بی‌پایانِ خانم منشـــی، به مبارزه مـــن و آن پســـرِ موقاصدکی توجه کنید. بماند ماجراهای عمه، گروه سه‌کله‌پوک، شـــازده‌کوچولوی اهلـــی شـــده، مـــردِ نمکی عاشق‌پیشه و هیولای مترو.

پس معطل نکنید و کتابی را که من با زحمت نوشته‌ام، شما با دقت بخوانید.

امضا: رونی فرخی

◆ پیـــش از این گفته بودید چون خودتان دختر دارید تلاش زیادی برای نزدیک شدن به زبان نوجوانان انجام داده‌اید. درباره این تلاش، نگاه و ضرورت توضیح می‌دهید؟

وقتـــی از نوجوان «امـــروز» صحبت می‌کنیم از فاعل شناسا(ســـوژه) ســـخن می‌گوییم نه از موضوع شناســـایی(ابژه). برای شـــناختن بایـــد به فاعلیتـــی نزدیک به او رســـید. امروز فاصله‌هـــا رو به فزونی گذاشـــته و شـــکاف‌ها عمیق‌تر شده است. سرعت تغییرسلیقه، نگره و زبان انســـان‌معاصر حیرت‌آور است. دیگر به راحتی نمی‌تـــوان گفت دانش‌آموز پایه دهمی خواسته‌های پای هشتمی را دارد.

برش

> سعی‌ام در «رونی یک پیانو قورت داده» اندیشیدن و سخن گفتن از درون یک نوجوان بوده نه تن‌دادن به خواسته‌ها. این کتاب، رمانِ من نوجوان شده، با تشخّصی فَردی است

وقتی می‌خواهی از نوجوان بگویی باید «او» بشوی. من نه‌تنها با یکی از این نوجوان‌ها زندگی می‌کنم، ماه‌هـــا او و دوســـتانش را دنبال کـــردم و هرچه گفتند، انجام دادند، خواندند، نوشتند، گوش دادند را یادداشـــت کردم. چیزی که به دســـت آوردم باورکردنی نبود. متاعی بی‌قیمت به چنگ آمده بود که خودم را شوکه کرد. به صراحت می‌گویم اگر کودک و نوجوان امروز را دســـت‌کم بگیرید، خطای بزرگی کرده‌اید.

◆ این نکته از لحـــن روایت و دغدغه‌های قهرمان داستان و دوستانش نیز پیداست. شما کوشـــیده‌اید دنیایی برای زیست این شخصیت‌ها بســـازید که از روح و حیاتی امروزین برخوردار اســـت. ســـختی‌های رسیدن به این امر، رمان شما را خواندنی و جذاب کرده؛ تا چه حد به جذابیت‌های مورد توقع مخاطب توجه کرده‌اید؟

مـــن نه‌تنهـــا در این رمـــان، بلکـــه در تمام داســـتان‌ها و شـــعرهایی که منتشـــر کرده‌ام، کوشیده‌ام به پرســـش‌های خودم بیندیشم نه خواستِ مخاطب. هر کتاب یک پیشنهاد است. نویسنده فهم و نگره شخصی‌اش از هستی را با مخاطب درمیان می‌گذارد.

هر قدر اساســـی‌تر و بنیادی‌تر، اثر ارزشمندتر. نویسنده فربه، داستانی فربه می‌نویسد. سعی‌ام در «رونی یک پیانو قورت داده» اندیشـــیدن و ســـخن گفتن از درون یـــک نوجوان بوده نه تن دادن به خواســـته‌ها. این کتاب، رمانِ منِ نوجوان شـــده، با تشـــخّصی فـــردی. به واقع نویســـنده اصلی، رونی فرخی اســـت نه من، اوســـت که روایت می‌کند و داســـتان را پیش می‌برد.

وقتـــی کتابم بـــرای فهرست‌نویســـی فیپا به کتابخانـــه ملی رفـــت، خانمی بـــا من تماس گرفت و گفت: «این اثر ترجمه است؟» گفتم: «خیر. مولفش من هستم». او گفت: «پس این رونی فرخی کیست که اوّل رمان آمده و امضا کرده؟» پیـــش خودم گفتم چقدر خوب، واقعاً هم این رونی بوده که قصه زندگی‌اش را نوشته و من در نهایت نقش یک مترجم را داشته‌ام. قاعدتاً داســـتان خوب، باید بهترین‌ها را در همه ســـاحات فرابخواند. نویســـنده ابتدا باید خود به داستانش احترام بگذارد و کم‌فروشی نکند، آن‌گاه از مخاطبش انتظار داشته باشد. مخاطب می‌گوید: «تو چه پیشِ‌روی من گذاشـــته‌ای که این همه متوقعی؟».

◆ چیزی که از نام رمان هم پیداست و در سراسر داستان هم حضور دارد، موسیقی است. نسبت موسیقی و رمان شما چیست؟

زمانی که رونی در شـــکم مـــادرش بوده و در کیســـه آبش چـــرخ می‌خورده بـــه آلبوم‌های موســـیقی گوش می‌داده و موسیقی نه‌بخشی که تمامتِ جان او شده؛ یک نسبت ارگانیک و اندام‌وار. موســـیقی یک عنصر و حتی می‌توانم بگویم کارکردی مشـــابه یک شخصیت دارد؛ بوده، هســـت و خواهد بود. می‌آید دست رونی را می‌گیرد و به دیـــدارِ اتفاقات می‌برد. همین موســـیقی پای استاد جمشـــیدی و همسرش را به زندگی او باز می‌کند. به ســـلول‌های او و مولکول‌های پیرامونش وارد می‌شود. نوایی که او را از خودش می‌گیرد و دوباره بازمی‌گرداند. موسیقی احیاگر رونی‌ای است که مادرش آرزو می‌کرده است.

◆ نوشـــتن «رونی یک پیانو قورت داده» چقدر طول کشـــید و چه آرزویی برایش دارید؟

۹ ماه تمام روز و شبم به ساختِ لذتبخش رونی گذشت. نمی‌گویم هر روز به یک میزان نوشته‌ام، اوایل به کندی و ماه‌های پایانی با حجمی که برای خودم شگفت‌انگیز بود، پیش رفت. یادم نمی‌رود زمانی که فصل «هیولای مترو» را می‌نوشتم که به رونی حمله می‌کند، ضربان قلبم به‌قدری بالا رفت که همســـرم نگران شد. از پشت میز بلند شدم و قدم زدم، گویی هیولا نه به سر و صورتِ رونی که به تن و جان من کوبیده بود.

چـــه آرزویـــی می‌توانم داشـــته باشـــم؟ من از جزیی‌ترین بخش رمانم تا طرح جلد و کتاب‌آرایی، مراقـــب رونی بوده‌ام تا کتابـــی در خور نوجوانان ساخته شود. حالا هم چیزی نمی‌خواهم جز اینکه نه‌تنها نوجوانان که همه رمانم را بخوانند و لذت ببرند.

به قول رونی: «معطل نکنید و کتابی را که من با زحمت نوشته‌ام، شما با دقت بخوانید».

تازه‌های نشر

انتشار ۱۴ داستان کوتاه در «پاراگراف آخر»

سوره مهر: مجموعه داستان «پاراگراف آخر» نوشته زهرا سیادت موسوی شامل ۱۴ داستان کوتاه منتشر شـــد. خورشـــیدی دیگر، پرده رومن، یک راز، پیدا وپنهان، عطر بهشت، خیابان پر درخت، سه‌شنبه‌های لعنتی، سایه لغزان، میز خانم‌جوان، رواق آخر، باورکن همین بود، پازلـــی رو به کودکی، خانه باورنکردنی و پاراگراف آخر از جمله داستان‌های این کتاب به شمار می‌آید.

از این نویسنده پیش از این، کتاب «برگی از یک زندگی» که براساس زندگی سردار شهید عبدالحسین برونسی نوشته شده است، منتشر شده و به بازار کتاب آمده است.

در بخشـــی از این کتاب آمده:« خودم را وسط جمعیت انبوهی پیدا کردم که تابوتی را پیش می‌راند. مســـیر آشـــنا بود. نمی‌دانم مراسم خاکسپاری چه کســـی بود. از فهمیدنش ترس داشـــتم، اما طاقت نیاوردم. جمعیت را کنار زدم و جلو رفتم. همه چهره‌ها آشـــنا بودند، کســـانی که در تمام عمر دیـــده بودم. همه خیلی عادی و طبیعی بودند، انگار نه انگار که داشـــتند مرده‌ای را می‌گذاشـــتند در قبر. ناگهان عزیز را دیدم که از توی قبر بلند شد و فرار کرد. دوباره گرفتندش و به زور آوردنش. این کار چند بار تکرار شد. هیچ‌کس ناراحت نبود. انگار وظیفه‌ای بود که باید انجام می‌دادند و با کمال خونســـردی، دوباره کار را از سر می‌گرفتند. وقتی نیما بیدارم کرد، عرق سردی روی تنم نشسته بود و می‌لرزیدم».

این کتاب با ۷۲ صفحه و قیمت ۱۵هزار تومان توسط نشر سوره مهر در اختیار علاقه‌مندان به خواندن داستان کوتاه قرار گرفته است.

یک داستان ماندگار با الهام از تعامل موش‌ها

پیدایش: انتشـــارات پیدایـــش در ادامه چاپ آثار در قالب مجموعه «کلاســـیک‌های خواندنـــی»، کتاب «خانم فریزبی»، نوشته رابرت سی‌اوبراین را با ترجمه پرستو پورگیلانی منتشر کرد. مجموعه «کلاسیک‌های خواندنی» تلاش دارند تا آثاری را که بر ادبیات داستانی تأثیرگـــذار بوده و یا هنوز آن‌قدر جذاب هســـتند که مخاطب قرن بیســـت و یک را به خود مشغول کنند، معرفی کند. محدوده انتخاب آثار در این مجموعه نیز از سال ۱۶۰۵ یعنی سال انتشار دن‌کیشوت، اثر سروانتس به عنوان اولین رمان تاریخ ادبیات به معنای امروزی آن تا قرن ۲۰ در نظر گرفته شده است.

ماجراهای خانم فریزبی شاخص‌ترین اثر اوبراین است که داستان زندگی خانواده‌ای از موش‌ها را روایت می‌کند که در حاشیه مزرعه‌ای زندگی می‌کنند، اما مجبورند به زودی با شروع فصل کاشت جابه‌جا شوند.

داســـتان در مورد تأثیرات پنهان و شـــاید مخربی اســـت که آزمایش‌های انســـان روی گونه‌های زیستی دیگر می‌گذارند، این بار از دید خود حیوانات. این کتاب به محض انتشـــار به کلاســـیکی خواندنی تبدیل شـــد و از جمله کتاب‌هایی اســـت که همچون کتاب اول هری‌پاتر می‌توان از آن‌ها به عنوان کتاب‌هایی که از همان لحظه خلق، کلاســـیک هســـتند، یـــاد کرد. اوبراین شـــیفته تحقیق در مورد نقش‌های اجتماعی جوامع موش بود. به نظر او این نشـــان می‌داد که حتی حیواناتی همچون موش‌هـــا که ما به آن‌ها کمترین اهمیت را می‌دهیم، از خودشـــان رفتارهایی بـــروز می‌دهند که در نهایت با اســـتانداردهای مثبت اخلاقی ما انسان‌ها مطابقت دارد و چه بسا موش‌هایی که از آدم‌ها رفتارهای درست‌تری نشان می‌دهند.

قصه واقعی پسرانی که دنیا را تغییر دادند

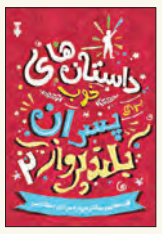

نشر نو: جلد دوم کتاب «داستان‌های خوب برای پسران بلندپرواز» نوشته بن‌بروکس با ترجمه امید سهرابی‌نیک و آرزو گودرزی راهی بازار نشـــر شد. کتاب مذکور، قصه واقعی پســـرانی را دربرمی‌گیرد کـــه دنیا را بدون اینکه بـــه جنگ اژدها بروند، تغییر دادنـــد. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه کوچک من» است که نشر نو چاپ می‌کند و پیشـــتر جلد اولش «قصه‌های خوب برای دختران بلندپرواز» منتشر شده است. مردانی که در جلد دوم به زندگی آن‌ها پرداخته شده، ثابت کرده‌اند دیده شدنِ ناتوانی نشان ضعف نیست، داشتن ذهنی باز و پذیرا بسیار جذاب و خوشایند است و متفاوت بودن هیچ اشـــکالی ندارد. تعدادی از پسران بلندپروازی که قصه‌شان در این کتاب چاپ شده عبارتند از:آنتوان‌دوسنت-اگزوپری، آندره آغاسی، آیزاک آسیموف، ابراهیم الحسین، اد شیرن، ادوارد انینفول، ادوارد مونک، ادی اندوپو، ارنو روبیک، اریش کستنر، اسکار اکپونیمو،الیور پرکوویچ،الیور ساکس،امانوئل افوسو یبوآ،امیل زاتوپک،انریکو کاروسو، اوان روجیرو، اوگوست اِسکوفیر، ایوسن‌لورن، ایوان فرناندزآنایا، بارت ویتجنز،براسایی، بن سالوت، بَنکســـی، پیتر اســـترم، تام دالی، توبیاس بامبرگ، تیم برنرز-لی، تیم سورتمه‌سواری جامائیکا، جان کوپرکلارک، جان گوردمن، جان وود، جکسون پولاک، جکی‌چان، جورجو اِستریلر، جوئل سالیناس، جیمز متیوبری، جیمی‌چو، جیوتی رائو پهولی، رابرت مونتگومری، راینر ماریا ریلکه، رنه ســـیلوا، فرانسوا تروفو، کار گوستاو یونگ، کریگ کیلبرگ، کوروش کبیر، کیلیان اِمباپه، کیمانی ماروگه، گاس ورلاند، لویل کارنر، لویی‌کان، لی‌ریدلی، لئوپولد سوشـــاَ، ماتئی اســـتپانک، مامودو گاساما، مایکل‌فلپس ومحموددرویش.

این کتاب با ۱۹۴صفحه مصور رنگی و قیمت ۵۰هزار تومان منتشر شده است.

هنرهای تجسمی

داور نمایشگاه ملی عکس «بدرقه سردار» از کیفیت آثار گفت

عکاسان خبری دچار روزمرگی شده‌اند

مهدیه قمری: نمایشـــگاه ملی عکس «بدرقه سردار» با هدف نمایش حضور بی‌سابقه مردم قدرشناس ایران در تشییع سردار ســـپهبد شهید سلیمانی توسط ســـازمان منطقه آزاد کیش با همکاری باشگاه عکاسان چهارشنبه ۳۰بهمن ماه سال جاری در حالی آغاز به کار کرد که یکی از داوران این رخداد هنری حیدر رضایی اســـت. او دانش‌آموخته رشته گرافیک از سال ۱۳۸۰ به صورت حرفه‌ای با عکاســـی خبری در خبرگزاری مهر و روزنامه ایران فعالیت عکاسی خود را آغاز کرد. رضایی داور ده‌ها جشنواره و مسابقه عکاسی بوده است.

این عکاس و گرافیست دو سیمرغ بلورین از جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را با طراحی و اجرای پوستر فیلم‌های «بیداری رؤیاها» و «اخراجی‌ها» دریافت کرده است.

توقع بیشتری از عکاسان داشتیم

رضایی به عنوان یکی از داوران نمایشـــگاه ملی عکس «بدرقه سردار» در خصوص آثار این نمایشگاه گفت: با توجه به اینکه این عکس‌ها خروجی بیشتر رسانه‌ها بود، توقع بیشتری از عکاسان داشتیم تا تعداد و تنوع این رویداد هنری را ارتقا دهند.

این هنرمند عکاس و گرافیســـت معتقد اســـت: عکاسان باید حرفه‌ای‌تر با این رویداد برخورد و عکس‌های بهتری از آثار خود را برای حضور در این نمایشگاه ارسال می‌کردند. به گفته او آثاری که به جشنواره‌ها ارسال می‌شود براساس آنچه در اختیار داوران است، قضاوت می‌شود و همه هنرمندان و داوران در این نمایشگاه ارادت قلبی به سردار سپهبد شهید سلیمانی دارند.

عکس: وحید بیات / قدس

توجه مسئولان به نوع برگزاری جشنواره‌های عکس

داور نخستین نمایشگاه ملی عکس «بدرقه سردار» معتقد است: عکاسان خبری دچار روزمرگی شده‌اند. از سوی دیگر با توجه به بودجه کمی که رســـانه‌ها در اختیار دارند موجب می‌شود سهم اندکی نصیب عکاس‌های خبری شـــود و این سبب بی‌انگیزگی عکاس و بی‌توجهی به سوژه می‌شود و این کیفیت آثار را کاهش می‌دهد.

رضایی با بیان اینکه ظرفیت عکاسان کشور بسیار بالاست، اما انگیزه کمی برای ادامه فعالیت در این هنر وجود دارد، افزود: وضعیت عکاســـان آزاد به مراتب ســـخت‌تر است، زیرا آن‌ها عمدتاً در نمایشـــگاه‌ها آثار خود را به نمایش می‌گذارند و این موضوع نیازمند هزینه مناســـبی بوده که لازم است هنرمندان عکاس داشته باشند.این هنرمند عکاس و گرافیست به نبود برنامه در جامعه عکاسی اشاره کرد و گفت: متأسفانه مدیران فرهنگی ما به مشکلات هنرمندان هنرهای تجسمی اشراف ندارند و تلاشی برای بهبود وضعیت این هنرمندان انجام نمی‌دهند.

وی گفت: مسئولان باید به نوع برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها توجه ویژه‌ای داشـــته باشـــند تا هنرمندان و عکاسان برای ارائه آثار حرفه‌ای خود رغبت داشـــته باشند، چون این جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها مهم‌ترین بستر معرفی آثار هنرمندان به مردم و عامل این دو قشر با یکدیگر است.